

## سخن سردیبر

در ادبیات سیاسی یکی دو دهه اخیر، کاربرد واژگانی چون تروریسم، بنیادگرایی و افراطیگری بسیار وسیع شده و با افزایش تنشها و ناآرامیها در نقاط مختلف جهان، نگاهها به منشأ و چرایی ظهور چنین پدیده‌هایی معطوف گردیده است. تردیدی نیست که خسارات مادی و معنوی ناشی از اینها بویژه در روزگار ما رو به افزایش است و هر روز که میگذرد حادثه یا حوادثی بزرگ در گوشه و کنار عالم، دل آدمیان را بدرد آورده و قلوب آنان را جریحه‌دار میسازد. در این میان تبلیغات رسانه‌یی غرب با انبوهی از وسایل ارتباطی، چنین وانمود میکنند که منشأ این رویدادها خارج از قلمرو سیاسی و فرهنگی آمریکا و اروپاست و این غرب و وابستگان سیاسی آنها هستند که پیشگام و پیشرو در مبارزه با تروریسم و افراطیگریند. این سخن مضحک و بدتر از آن، ژست مضحکانه سران آمریکایی و اروپایی زمانی آشکارتر میشود که رییس جمهور آمریکا در مقابل چشم جهانیان رسماً و علناً و با گستاخی تمام، مسئولیت ترور ناجوانمردانه چهره‌یی ماندگار در مبارزه با تروریسم یعنی شهید قاسم سلیمانی را برعهده گرفته و برخی از رؤسای کشورهای اروپایی در مهد باصطلاح حقوق بشر و آزادی، بازهم رسماً آن را تأیید کرده و بیرون راندن جنایتکاران داعش و سلفی و تکفیری از عراق و سوریه و مانند آن را مصادیقی از تروریسم میخوانند!!

۱۵

دردناکتر و تأسفبارتر از این حکایت کجا میتوان سراغ گرفت؟!

اما باید دانست که این خوی و رفتار غربیها قدمتی دیرینه دارد. یادآوری وجه و نمونه‌های تاریخی این حکایت دردناک برای خودآگاهی نسل حاضر خالی از فایده نیست. هرودوت در کتاب خود، پیروزی آتنی‌ها در جنگ سلامین بر پارسیان پیروزی آزادی و روح بر اسارت و تن‌نمید و پس از آن برای قرنهای



متمدادی، امپراتوری روم و اروپا همین عناوین را بر رفتارهای غیرانسانی خود در جریان استعمار و برده‌داری و بهره‌کشی از ملل آسیایی و آفریقایی نهاد. جنایتهای اسکندر و نرون و آتیلا و کشتار ناپلئون و تزار را فتوحات نامیدند و نسل‌کشی و نابودی ساکنان بومی آمریکا را با نمایشهای هالیوودی، غلبه مدنیت بر توحش سرخپوستان وانمود کردند!

باید پرسید برآستی در طول تاریخ، ابداع و ساخت انواع زندانهای مخوف، دادگاههای تفتیش عقاید، اختراع انواع آلات و ابزارهای شکنجه، وقوع دو جنگ ویرانگر بین‌الملل، وقوع جنگهای متعدد ملی و منطقه‌یی، نظیر نسل‌کشی اخیر در منطقه بالکان و مانند آن، و نیز غارت ثروتهای مادی و معنوی ملل مظلوم و ضعیف توسط چه ملت‌هایی و در کدام نقطه عالم و با چه اسباب و انگیزه‌هایی صورت گرفته است؟

استعمار نو و حتی دوره پسااستعمار نیز جلوه‌های رنگارنگ اما در ذات یگانه این رفتار ضدانسانی صاحبان اروپایی پول و قدرت را به خود دید و میبیند. امروزه همگان میدانند چه کسانی القاعده و طالبان و داعش را پدید آوردند و تجهیز کردند و برای عملی ساختن مقاصد شوم خود به منطقه خاورمیانه گسیل داشتند. رسوایی محافل و مجامع سیاسی غرب و برخی سران آن در هدایت و رهبری و حمایت از پدیده شوم تروریسم و خشونت و افراطیگری، روزبروز آشکارتر میشود. مگر همین اواخر نبود که ترامپ به دوشیدن برخی ملت‌های عربی تصریح کرد و شگفتا که ندایی از سوی همانها که حیوان و چهارپا خوانده شدند، درنیامد! آیا غرب با این کارنامه مشعشع! میتواند برای عالم معاصر سخنی از حقوق بشر و آزادی بگوید؟ آیا روا نیست که امروزه در اروپا و آمریکا، بجای جشن سالانه کریسمس، برای خاکسپاری حقوق بشر و مهمتر از آن، ۱۶ دفن میلیون‌ها انسان بیگناه در فلسطین و سوریه و عراق و افغانستان و یمن بدست سران و حکام خود یا مباشرت آنها، نوحه سر دهند؟!

**سردبیر**

